



هدف پیامبر(ص) رهایی انسان‌ها بود/ نهادسازی رسول خدا در صدر اسلام

آیت الله ابوالقاسم علی‌دوست، عضو جامعه مدرسین حوزه علمیه قم در مورد نقش و اثرگذاری پیامبر(ص) گفت: یکی از حرکات حکیمانه پیامبر اکرم(ص) در صدر اسلام، نهادسازی و ایجاد تحول در نهادهای گذشته بود.

آیت الله ابوالقاسم علی‌دوست، عضو جامعه مدرسین حوزه علمیه قم در مورد نقش و اثرگذاری پیامبر(ص) گفت: یکی از حرکات حکیمانه پیامبر اکرم(ص) در صدر اسلام، نهادسازی و ایجاد تحول در نهادهای گذشته بود. پیامبر عظیم الشان اسلام(ص) مظهر رحمت برای همه بشریت و اسوه‌ای برای تمام تاریخ بوده است. اگرچه عده‌ای سعی در مخدوش نمودن چهره پیامبر اسلام داشته‌اند اما روز به روز بر پیروان آن حضرت و عاشقان و دلدادگانش اضافه می‌شود. به مناسبت سالروز رحلت نبی مکرم اسلام در گفتگو با دوتن از اساتید کشور به بررسی ابعاد مختلف حیات مبارک پیامبر عظیم الشان اسلام پرداختیم؛

یکی از حرکات حکیمانه پیامبر اکرم(ص) در صدر اسلام، نهادسازی بود؛ نهادهایی که پیامبر اعظم(ص) تأسیس کردند یا قبلاً وجود نداشتند و یا اگر وجود داشتند، تحول جدی در آن ایجاد کردند. آیت الله ابوالقاسم علی‌دوست، عضو جامعه مدرسین حوزه علمیه قم در مورد نقش و اثرگذاری پیامبر(ص) گفت: یکی از حرکات حکیمانه پیامبر اکرم(ص) در صدر اسلام، نهادسازی بود. نهادهایی که پیامبر اعظم(ص) تأسیس کردند یا قبلاً وجود نداشتند و یا اگر وجود داشتند، تحول جدی در آن ایجاد کردند.

وی افزود: از جمله نهادهایی که پیامبر اسلام(ص) تشکیل دادند نهاد حوزه بود که در این نهاد، افراد احکام را فرامی‌گرفتند و به وطن خود برمی‌گشتند و مردم را هدایت می‌کردند. وی با بیان اینکه یکی دیگر از نهادهای تشکیل شده در زمان حکومت پیامبر اسلام(ص) نهاد تبلیغ بود، گفت: یکی دیگر از شاخص‌ترین نهادها، نهاد مسجد بود و قبل از اینکه پیامبر اکرم(ص) به مدینه بروند و مسجد قبا را بسازند، مساجدی در مدینه بنا و تأسیس شد.

برنده دومین دوره جایزه جهانی علوم انسانی اسلامی اظهارداشت: پیامبر اسلام(ص) نه تنها مسجد را به عنوان نهاد تأسیس کردند بلکه کارایی‌های را به مسجد دادند که از جمله این کارایی‌ها می‌توان به محل عبادت مسلمانان، تصمیم‌گیری مسائل مهم جامعه، محل تعلیم و تعلم، محل داوری و قضاوت و کمک به فقرا اشاره کرد.

وی تصریح کرد: در صدر اسلام، مسجد همه شئون مسلمانان را به جز در مواردی که با شأن مسجد مناسب نبود، پوشش می‌داد. این وضعیت برای همه زمان‌ها برای مسجد تعریف شده است و اختصاص به زمان پیامبر(ص) ندارد، البته اقتضائات زمان و مکان ممکن است بعضی از این شئون را از مسجد بگیرد مانند دادگاه‌ها؛

که در حال حاضر در شأن مسجد نیست. وی تأکید کرد: یکی از انحرافات اساسی بعد از رحلت پیامبر اسلام(ص)، جایگزینی نهاد سقیفه به جای مسجد بود، در حالی که مسجد، نهاد اسلامی و سقیفه، نهاد جاهلیت بود.

یکی از سیره‌های زندگی نبی مکرم اسلام(ص) که تا آخر عمر بدان پایبند بودند، آن است که هرگاه قربانی می‌داد، مقداری از آن را برای دوستان حضرت خدیجه(س) می‌فرستاد. آیت الله علی‌دوست در ادامه سخنانش در مورد خانواده دوستی پیامبر(ص) گفت: یکی از سیره‌های زندگی نبی مکرم اسلام(ص) که تا آخر عمر بدان پایبند بودند، آن است که هرگاه قربانی می‌داد، مقداری از آن را برای دوستان حضرت خدیجه(س) می‌فرستاد.

وی افزود: اینگونه به یادسپاری و دستگیری آن هم از دوستان همسر مرحوم، جای بسی غبطه دارد، زیرا معمول انسانها تا مراسم معمول همسر به یاد او یا اطرافیان او هستند و بعد با گذشت زمان، رفته رفته همه چیز را به فراموشی می‌سپارند، اما نبی مکرم اسلام(ص) چنین نبودند و همواره تا آخر عمر به یاد حضرت خدیجه(س) و حتی دوستان او بودند.

وی با تأکید بر اینکه امروز بیش از هر زمان دیگری ما و تمام دنیا به سیره و رفتار پیامبر(ص) نیازمند است، گفت: رفتار و سیره پیامبر(ص) جامع بود چون پیامبر برای همه شئون ما رفتار، پیام و سیره داشته است؛ جهانی بود چون رفتار پیامبر(ص) فرامکانی بود و اختصاص به مکان خاصی نداشت و جاودان بود چون پیامبر خاتم بود. علی‌دوست تصریح کرد: اینکه برخی از افراد می‌گویند پیامبر رفتارهای عربی داشته و یا رفتاری‌های ایشان برای مکان و زمان خاص بوده اشتباه است، پیامبر(ص) به نوعی رفتار کرد و سیره‌ای باقی گذاشت که برای تمام زمان‌ها باشد. باید به محتوای پیام‌ها و سیره پیامبر(ص) بیشتر توجه و عمل شود تا معرفت نسبت به آن پیدا کنیم، در واقع یکی از علت‌های مهم اینکه توفیق عمل کردن به سیره و روش پیامبر(ص) را نداریم همین مسئله معرفت می‌باشد.

وی یادآور شد: البته در کنار معرفت باید اخلاق را در نظر داشته باشیم، چرا که کم نداریم انسان‌هایی که به جنس پیام پیامبر(ص) معرفت دارند اما منافع حزبی، جناحی، شخصی و روزمره نمی‌گذارد که به این پیام عمل و به دیگران منتقل کنند. این افراد در واقع بعضی از نهادها و برخی عناوین را دست می‌گیرند و با آن‌ها زندگی می‌کنند بدون اینکه مصلحت کشور، مردم، نظام و انقلاب را در نظر بگیرند.

تا این مسئله معرفت و اخلاق فراگیر و همگانی نشود ممکن است نام پیامبر(ص) را هم بسیار بشنویم و بعضی‌ها هم خوب شعار بدهند ولی در عمل فاصله بسیار داریم و آنچه در حال حاضر انسان احساس می‌شود متأسفانه فاصله

این استاد حوزه بیان کرد: تا این مسئله معرفت و اخلاق فراگیر و همگانی نشود ممکن است نام پیامبر(ص) را هم بسیار بشنویم و بعضی ها هم خوب شعار بدهند ولی در عمل فاصله بسیار داریم و آنچه در حال حاضر انسان احساس می شود متأسفانه فاصله بسیار است.

یحیی یثربی، نویسنده کتاب دوجلدی «محمد(ص)؛ پیام‌آور صلح و آزادی» در مورد شخصیت پیامبر اسلام(ص) و تلاش های آن حضرت برای جامعه اسلامی گفت: معتقدم در اسلام حرمت و اصالت انسان در اوج قرار دارد. غرب که دم از اومانیزم و اصالت انسان می‌زند به چیزهایی رسیده اما نسبت به اسلام در مراتب پایین‌تری قرار دارد. به نظر من معجزه‌های حسی هرگز نمی‌توانند به گرد پای معجزه‌های شخصیتی نبی اکرم(ص) برسند. انسانی که در خانواده‌ای فقیر در محیط خشن مکه به دنیا آمد و بزرگ شد و سواد هم نداشت اما عناصری در شخصیت ایشان جلوه ‌کردند که هر کسی ذره‌ای به ایشان نزدیک می شد عملاً این عناصر به او نشان می‌داد که این شخص پیغمبر است و برای رهایی انسان‌ها آمده است. این استاد فلسفه افزود: در طول تاریخ دو چیز انسان را اسیر کرده بود؛ یکی شرک که عده‌ای خود را برای مردم خداگونه معرفی می‌کنند و به خودشان حق می‌دهند مانند خدا بر مردم مسلط باشند که این ها به عنوان انسان‌های خداگونه بر مردم حکومت می‌کنند مثل شاهان و امپراطوران قدیم که ادعا می‌کردند که افراد عادی نیستند. دیگری امپراطوران و سلاطین که خودشان را تافته جداافتاده از دیگران می‌دانستند. برای رهایی انسان‌ها از غل و زنجیر کسی آمد و ندا ‌داد که من بشری از خودتان هستم. رسولی هستم از نفس شما و بشری هستم مثل شما و عیدی هستم مثل شما ولی بسیار خداترس‌تر از تک تک ما.

این مفسر قرآن در ادامه سخنانش اظهار داشت: حضرت خود را برتر از دیگران نشان نمی‌دادند و در انجام کارهای معمولی و روزانه مثل دیگران، خود شخصاً فعالیت داشتند. مثلاً در ساختن مسجد مدینه سنگ بزرگی را به دوش می‌کشیدند در حالی که نیم‌تنه بالای ایشان عریان بود، چون مردم آن روز عربستان دو تکه لباس می پوشیدند؛ ردایش را از دوش برداشته بود و با آن سنگ می‌کشید هر چقدر گفتند: آقا ما غریبیم، دیروز به این شهر آمدیم، مردم می‌آیند تا شما را ببینند. شما به حالت تشریفاتی بنشینید فرمودند: نه! با مردم سنگ می‌کشیدند و جدی‌تر از تک تک آنها کار می‌کردند. سنگ بزرگی را به زور بلند کردند جوانی رسید و از ایشان خواست که اجازه دهند تا این سنگ را بردارد حضرت جواب دادند تو فکر می‌کنی من کمتر از تو به خداوند نیاز دارم. این شخصیت حضرت رسول(ص) است که مردم باید آن را بشناسند.

حضرت در هر فرصتی که پیش می آمد می‌گفتند: من نه فرشته‌ام که جنبه آسمانی و خدایی داشته باشم و نه سلطان و امپراطورم. من بشری هستم مثل شما. ما باید روی این مسائل بسیار کار کنیم تا با این چهره واقعی آشنایی پیدا کنیم

یثربی تصریح کرد: حضرت در هر فرصتی که پیش می آمد می‌گفتند: من نه فرشته‌ام که جنبه آسمانی و خدایی داشته باشم و نه سلطان و امپراطورم. من بشری هستم مثل شما. ما باید روی این مسائل بسیار کار کنیم تا با این چهره واقعی آشنایی پیدا کنیم. وحی از اخلاق حضرت رسول(ص) تمجید می‌کند نه به خاطر اینکه موجودی آسمانی بود که به زمین آمد. ایشان انسان بود مثل همه ما اما رفتارشان، رفتار درستی بود. می‌گویند این آیه به این خاطر نازل شد که هرکسی ایشان را صدا می‌زد جوابشان لبیک بود. هر کس رسول الله(ص) را صدا می‌کرد ایشان می‌گفتند: لبیک. طبق فرهنگ عرب‌ها فقط غلامان باید می‌گفتند لبیک. افرادی که برده نبودند به کسی لبیک نمی‌گفتند. کسی به مولا علی(ع) که تربیت شده محمد(ص) بود در میانه جنگ صفین در موقعیت حساسی گفت: بارک‌الله خیلی عالی گفتید: امر بفرما در خدمتیم. در نهج‌البلاغه آمده که حضرت چقدر ناراحت شدند و فرمودند: تو از کجا میدانی من هواپرست نیستم، به خدا من از روزی که خدا را شناختم از این حرف‌ها خوشم نیامده است. با من مانند شاهان حرف نزنید. اگر راست می‌گوئید بیایید خطاها و ایرادهایم را بیان کنید. بگذارید من در غفلت نمانم. این سیره انسان معصومی است که الگوی ماست.

وی ادامه داد: حضرت رسول(ص) فرمودند تا زمانی که می‌میرم رفتار بردگان را خواهم داشت، لباس خشن می‌پوشم و لباس اشرافی نمی‌پوشم، هروله راه می‌روم و مانند بردگان می‌نشینم. در تمام عمر خود به چیزی تکیه نزد تا بردگی را از دست ندهد به دیوار گلی مسجد و خانه‌ تکیه نزد که با تفاخر نشسته باشد بلکه مانند بردگان می‌نشست. بر روی مردم اثرگذار بود و آنها را جذب می‌کرد. عدی، پسر حاتم طائی وقتی شنید پیامبر به مدینه آمدند فرار کرد. خواهرش پیغام داد برادر فرار نکن، ایشان انسان دیگری است، شما ایشان را ببینید اگر پیغمبر است از فیضش بی‌زنید. نصیب نباش اگر شاه خوبی است هم در کنارش باش. برای چه فرار می‌کنی؟! عدی به خاطر حرف خواهرش به مدینه آمد و پیامبر(ص) را در کوچه دید و پیامبر(ص) او را به حجره‌اش دعوت کرد. در این هنگام زن نابینایی صدای حضرت را شناخت و ایشان را صدا زد. حضرت جواب دادند لبیک! و کارهای این بانوی پیر را انجام دادند و وقتی تمام شد خداحافظی کردند. عدی، دید که ایشان بشر است اما از جنس و ادب و رفتار دیگر است. وقتی وارد منزل حضرت رسول(ص) شد دید وسایلی در منزلشان نیست تنها بالشی بود که حضرت دادند که مهمان روی آن بنشیند و خودشان روی خاک نشستند.

حضرت از ما دوستی کورکورانه نمی‌خواهند احساسات تنها ارزشی ندارد. آنها از ما محبت و عمل می‌خواهند

یثربی با بیان اینکه در کتاب «محمد(ص)؛ پیامآور صلح و آزادی» سعی کردم از این مقوله حرف بزنم، گفت: این کتاب را بازنویسی و با منابع آن و نکته‌های تازه‌ای که ضمن تفسیر روز از زندگی آن حضرت به دست آوردم برای مردم و دوستداران آن حضرت مطرح کردم. حضرت از ما دوستی کورکورانه نمی‌خواهند احساسات تنها ارزشی ندارد. آنها از ما محبت و عمل می‌خواهند. «هُوَ الَّذِي بَعَثَ فِي الْأُمِّيِّينَ رَسُولًا مِنْهُمْ يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَإِنْ كَانُوا مِنْ قَبْلُ لَفِي ضَلَالٍ مُبِينٍ» (آیه ۲ سوره جمعه). در این آیه خداوند می‌فرماید: پیغمبر(ص) پیش از آموزش آنان را پرورش می‌دهد، (یُزَكِّيهِمْ را به پرورش ترجمه می‌کنم). مفسران و مخصوصاً وعاظ در پنجاه - شصت سال اخیر این نکته را مطرح کردند که پرورش بر آموزش مقدم است، چون خداوند در این آیه اول پرورش و بعد آموزش را بیان کرده است. من هم تأکید می‌کنم که از نظر اهمیت، پرورش بر آموزش مقدم است. با وجود اینکه این فهم درست است و تفسیر ناروایی نیست اما به نظرم وقتی این تقدم را این گونه بفهمیم که اصولاً تا پرورش نباشد، آموزش فایده‌ای ندارد، بهتر و درست‌تر است یعنی تا زمینه فراهم نشود آموزش نتیجه نمی‌دهد. پیامبر(ص) باید اول زمینه را به وجود می‌آورد و بعد مردم را به اسلام دعوت می‌کرد.